بسم الله الرحمن الرحيم سؤال هرگاه شخص غریبی آمده گوید که من سیدم بدون ثبوت خمس او میتوان داد

و بر فرضی که مشهور بشد پیدا باشد که میتوان داد بدون علم بضبط سلسله نسب

جواب خمس داد بدون ضبط سلسله یا شهادت عدلین بروشی که علم شرعی به نسبت او بهم رسد

مشکل است سؤال کسی که چیزی را بخمس و زکوة میدهد اگر از روی دوازده [illegible]

خواه صیغه بخواند که این را بفلان قدر قبول کردی یا صیغه نخواند جایز است یا نه جواب

جایز نیست و بقیمت واقع حساب میشود خصوصا خمس والله یعلم سؤال

اگر کسی نذر کند و چنین گوید که نذر کردم که اگر بیمارم خوب شود هزار دینار بمستحقین بدهم

آیا بچنین صیغه گفتن لازم میشود یا قید مضمون لله علی باید بشود و بر فرضی که بچنین صیغه

نذر حضرت امام رضا کند بچه باید داد و اگر نذر کند [illegible] سید [illegible]

خدمه یا طلاب علوم مستحق میتوان داد یا نه جواب بچنین صیغه گفتن لازم

نمیشود مگر اگر نام خدا ببرد که بخدا نذر کردم یا عهد کردم که در اینوقت لازم میشود

باید برآورد بجهتی که نذر کرده و بمصرفی که تعیین کرده برساند مثلا هرگاه نذر کند بخدا

که بضریح بیندازد باید بیندازد و همچنین اما اگر نام خدا نبرده گفته نذر کردم

بسادات و مستحقین میتوان داد سؤال نذر مطلق که بر این نحو گوید لله علی

سه روز روزه بگیرم بدون اینکه از اجزای چیزی مثل شفای بیمار یا مثل آن

قرار دهد آیا منعقد میشود یا نه جواب ظاهر آنست که این نذر منعقد

نمیشود

بسم الله

بنده از آخوند قدس سره پرسیدم که در زکوة اخراج خراج سلطان و باقی [illegible] میتوانند

[illegible] غیر خراج سلطان مشکل است و مشهور بر عدم اخراج است گفتند

که خراج سلطان اخراج میتوان کرد فرمودند که اگر بعنوان مزارعه گرفته شود

اشکالی نیست در جواز اما اگر بعنوان مزارعه نگیرد خراج مشکل است [illegible]

بسم الله الرحمن الرحیم

هذا الکتاب المسمی بالفوائد [illegible]

تصنیف الفاضل العالم العامل الکامل

الامام المحقق والهمام المدقق جامع المعقول

والمنقول [illegible]

[illegible]

والوصول الى مرتبة المحققين المجتهدين مع انه لم يتهم بعد لديه القاصر ولم يهتم بتحصيل
ما يخالف فهمه القاصر ولم يدر ان من طلب شيئا وجد وجد ومن قرع بابا وولج ولج
ولا ينظر الى انه في حال تعلم الصنعة السهلة او العربية في اول الامر معتقد باستاذه
ولم يسلم امره وقوله ويستبد برايه لم يحصل له ذلك الجزء ابدا ويكون في مرتبة
قصوره باقيا دائما هذا حال الطلبة واما المجتهد فهو ايضا لا بد من ان لا يستبد
بمجرد اول نظره بل يتجدد ويتامل الخامس ان لا يكون له حدة ذهن زائد بحيث
لا يقف ولا يجزم بشيء مثل صحاح الجوهري السادس ان لا يكون بليدا لا يتفطن
بالمشكلات والدقائق ويقبل كلما يسمع ويميل مع كل قائل بل لا بد فيه من حذاقة
وفطنة يعرف الحق من الباطل ويرد الفروع الى الاصول ويدري في كل فرع يوجد
انه من اي اصل ويجري مسائل اصول الفقه في الايات والاخبار وغيرهما ويدري
موضع الجريان وعدمه وكيفيته السابع ان لا يكون مدة عمره متوغلا في الكلام
او الرياضي او النحو وغير ذلك مما هو طريقة غير طريقة الفقيه ثم يشرع بعد ذلك في
التفقه فانه يخرب الفقه بسبب انس ذهنه بغير طريقته والف فهمه بطريقة الكلام وامثاله
كما شاهدنا كثيرا من الماهرين في العلوم من اصحاب الاذهان الدقيقة السليمة انهم خربوا
الفقه من الجهة التي ذكرناها الثامن ان لا يانس بالتوجيه والتاويل في الاية والحديث
الى حد يصير المعاني الماولة من جملة المحتملات المساوية للظاهر المانعة عن الاطمينان
بل كما شاهدنا من بعض ولا يعود نفسه بتكثير الاحتمال في التوجيه فانه ايضا مما يفسد
الذهن التاسع ان لا يكون جريا غاية الجراة في الفتوى كبعض الطلبة الان فـ[illegible] في
غاية الجرأة [illegible] كثيرا لخلاف المحققين [illegible]

67 في الاحتياط فانه ايضا ربما يخرب الفقه كما شاهدنا من كثير من افرط في الاحتياط
بل كل من افرط فيه لم نر له فقها لا في مقام العمل لنفسه ولا في مقام الفتوى لغيره
واعلم ايضا ان علم المعاني والبيان والبديع والحساب والهيئة والهندسة والطب من
مكملات الاجتهاد وجعل جمع علم المعاني والبيان من شروط الاجتهاد مثل السيد المرتضى
والشهيد الثاني والشيخ احمد بن المتوج البحراني بل الاخباري عدا علم البديع ايضا من الشرائط
وقد اشرنا الى انه ربما يحصل العلم من جهة الفصاحة والبلاغة كون الكلام عن الامام
فمن هذه الجهة [illegible] يكون لهما مدخلية في الاشتراط بل البديع ايضا واما الهيئة فبعض
مسائلها [illegible] يكون شرطا مثل ما يتعلق بالقبلة وكون الشهر ثمانية وعشرين
يوما بالنسبة الى بعض [illegible] القدر الذي هو شرط من جميع العلوم المذكورة هو
الذي يندفع به الضرورة وان [illegible] يحصل الا بعد اطلاع على الجميع من كل واحد واحد
منها لكن اطلاع في الجملة من دون حاجة الى الطالب الى الغور والاكثار وصرف العمر الكثير
في تحصيل المهارة التامة كما لا يخفى خاتمة قد عرفت عدم معرفة شرائط
الاجتهاد وعدم مراعاتها والخطر الشديد الذي فيهما لكن في معرفة تلك الشرائط
خطر ايضا لا بد من عدم الغفلة عنه وحفظ النفس عنه وذلك الخطر من وجوه الاول
انه من شدة الانس بها والاستناد اليها والاعتماد عليها ربما يغفل عن قرائن الحديث
غافل ولا يتجلى عليه سيما اذا كان تخفيه مثلا حقق في اصول الفقه ان مفهوم الوصف
ليس بحجة وفي كثير من الاحاديث يظهر اعتبار ذلك المفهوم باعتبار خصوص المقام
[illegible] يعترض عليه بان مفهوم الوصف وهو ليس بحجة على ما حقق في الاصول
[illegible] لم يكن بد لا بجلاء اذ قد عرفت ان تعليق الحكم على الوصف

سازمان کتابخانه ها، موزه ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی
اداره مخطوطات

فارسی
غیاث‌زبان

نام کتاب	حلیة المتقین
مولف متن	علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی مجلسی
محشی	
شارح	
مترجم	
تاریخ تحریر	ق ۱۳
نوع خط	نسخ و نستعلیق
تعداد سطر	۱۷
نام کاتب	
موضوع	اخبار
زبان	فارسی
عدد اوراق	
طول	۲۱
عرض	۱۸
شماره عمومی	۳۵۱۵۷
وقفی / خریداری	
تاریخ وقف	
ملاحظات	

حلیة المتقین

محمد باقر بن محمد تقی مجلسی

مهدی حسین خواجه
۱۲۹-۱۴۲۶

رب یسر بسم الله الرحمن الرحیم وتمم بالخیر

الحمد لله الذی حلّی انبیائه المرسلین باحسن حلیة المتقین ونعت
نخبة اصفیائه محمد صلی الله علیه وآله لتتمیم مکارم الاخلاق والحق
واکمل فی اتباعه الاجمعین افضل خصال النبیین وصلوات الله
علیه وعلیهم عدد انفاس المسبحین من الملائکة والناس
اجمعین اما بعد چنین گوید تراب اقدام مؤمنین وخادم طلبه علوم ائمه
طاهرین محمد باقر بن محمد تقی حشرهما الله مع موالیهما المطهرین صلوات الله
علیهم اجمعین که چون عمده امتیاز بنی نوع انسان از سایر انواع حیوان بتخلق
بحسنه وتزین بآداب مستحسنه است وبمقتضای حدیث شریف نبوی
بعثت لاتمم مکارم الاخلاق تمامی آداب پسندیده در جمیع
احوال رسیده در شرع انور ودین اطهر آنحضرت بود وجمعی از سالکان مسالک
سعادت وناهجان مناهج متابعت اهلبیت رسالت پناه علیهم السلام از این فقیر حقیر
التماس نمودند که رساله در بیان محاسن آداب از طریقه ائمه طاهرین صلوات الله علیهم اجمعین
باسانید معتبره باین قلیل البضاعة رسیده باشد بروجه اختصار تحریر نماید وبجهت عموم نفع

نسبت باهل ایمان دریاب مضامین اخبار را در لباس لغت فارسی قریب الفهم بجلوه در
آورد لهذا با ضیق مجال وکثرت اشتغال رعایت حقوق اخوت ایمانی را لازم دانسته
واز مقتضای حدیث الدال علی الخیر کفاعله امیدوار گردیده اجابت ملتمس ایشان نموده در
چهارده باب وخاتمه ترتیب گردانید باب اول در آداب لباس باب دوم در آداب حلی
وزیور پوشیدن وسرمه کشیدن ودر آئینه نظر کردن وخضاب کردن باب سوم در آداب
خوردن وآشامیدن باب چهارم در فضیلت تزویج وآداب مجامعت ومعاشرت زنان
وکیفیت تربیت فرزندان باب پنجم در آداب مسواک کردن وناخن وشارب گرفتن
وسر تراشیدن وشانه کردن وامثال اینها باب ششم در آداب بوی خوش کردن وگل بوئیدن
وروغن مالیدن باب هفتم در آداب حمام رفتن وحنا کشیدن وامثال آن باب هشتم
در آداب خواب رفتن وبیدار شدن وبیت الخلا رفتن باب نهم در آداب حجامت
ونقیه وذکر بعضی از ادعیه واحراز وخواص بعضی از ادویه ومعالجه بعضی از امراض
باب دهم در آداب ... ومعاشرت مؤمنان وحقوق اصناف الناس
در آداب مجالس وسلام وعطسه ومصافحه ومعانقه وامثال اینها باب یازدهم
در آداب خانه وداخل شدن وبیرون رفتن باب دوازدهم در آداب سوار شدن وراه رفتن
وبازار رفتن وتجارت وزراعت ... باب سیزدهم وباب چهاردهم در آداب
سفر وخاتمه در بیان بعضی از فوائد متفرقه وهر یک از این ابواب را بر دوازده فصل
مشتمل ساخت وبکتاب حلیة المتقین مسمی گردانید مامول از ناظران در این رساله

و دشمن ترین مردم کسی است که نزد خدا و خلق متکبر باشند و کسی که در طاعت
الهی سعی بیشتر کرده است که ترک گناهان کرده است و داناترین مردم کسی است
که از جاهلان بگریزد و سعادتمندترین مردم کسی است که با نیکان خلطه
نماید و غافل ترین مردم کسی است که با اهل تهمت همنشینی کند و طاغی ترین
مردم کسی است که بکشد کسی را که قصد کشتن او ندارد و بزند کسی را که او را نزند و
سزاوارترین مردم بعفو کردن کسی است که قدرت بر عقوبت بیشتر داشته
باشند و سزاوارترین مردم بگناه کاری کسی است که در حضور مردم سفاهت
کند و در غائبانه غیبت کند و ذلیل ترین مردم کسی است که مردم را خوار
کند و دوراندیش ترین مردم کسی است که خشم خود را بیشتر فرو خورد و
شایسته ترین مردم کسی است که برای مردم شایسته تر باشد و بهترین
مردم کسی است که مردم ازو منتفع شوند و الله المستعان علی ما تصفون

بیشتر کند و سزاوار ترین مردم بتهمت کسی است که